

واکاوی ضرورت‌های طراحی برنامه‌درسی آموزش خانواده در مدارس دوره ابتدایی*

♦ آریتا قرنجیک^۱ ♦ دکتر علی اصغر بیانی^۲ ♦ دکتر حسن صائمی^۳ ♦ دکتر حسین فکوری حاجیار^۴

چکیده:

هدف این پژوهش تبیین اهمیت و ضرورت طراحی برنامه‌درسی آموزش خانواده در موفقیت نظام تعلیم و تربیت فرزندان است. این پژوهش با رویکرد کیفی و به‌روش تحلیل محتوای قراردادی انجام شده است. بیست صاحب‌نظر در حوزه‌های برنامه‌ریزی درسی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، مشاوره خانواده و مدرسی آموزش خانواده با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختار یافته و تعاملی تا رسیدن به حد اشباع اطلاعات گردآوری و یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها در دو مقوله اصلی طبقه‌بندی شدند که عبارت‌اند از: ۱. ارتباط و پیوند مدرسه و خانواده بر اساس نیازها و درک متقابل (با هشت مقوله فرعی: آگاهی والدین از وظایف و نقشهای خود، انسجام و وحدت رویه در آموزش خانواده، ضرورت توجه به خانواده به‌عنوان کانون اصلی رشد و تعالی انسان، مشارکت والدین در برنامه‌درسی، ضرورت پیوند برنامه‌های درسی با واقعیات زندگی، ناآگاهی و مشکلات رفتاری خانواده‌ها، آشنایی والدین با نظامهای درسی مدرسه، آگاهی از ابعاد رشد همه‌جانبه کودکان)؛ ۲. کارآمدی و کاربردی بودن برنامه‌های درسی (با سه مقوله فرعی: اثربخشی و کارایی برنامه‌های درسی، در نظر گرفتن تغییر و تحولات جهانی، کاربرد روشهای حمایتی و مراقبتی در فعالیتهای یاددهی و یادگیری). بنابر نتایج این پژوهش، برنامه‌درسی آموزش خانواده در دوره ابتدایی نه تنها در ارتقای آگاهی، نگرش و عملکرد والدین در تربیت فرزندان نقش اساسی دارد، بلکه در ایجاد همسویی در اهداف و انتظارات تربیتی و آموزشی میان نهاد خانه و مدرسه نیز نقشی تعیین‌کننده دارد.

کلید واژگان: برنامه‌درسی، خانواده، آموزش خانواده، مدارس دوره ابتدایی، طراحی

© تاریخ دریافت: ۹۹/۹/۲۲

© تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۷

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول است.

۱. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران. aras1392@yahoo.com
۲. نویسنده مسئول: دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران. AA.Bayani@iau.ac.ir
۳. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران. saemi_61@yahoo.com
۴. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران. Dr_h_fakoori@yahoo.com

مقدمه

نهاد مقدس خانواده، رکن بنیادین اجتماع بشری و محمل فرهنگهای گوناگون است، تا جایی که سعادت و شقاوت امتها، مرهون رشادت و ضلالت خانواده است. قرآن کریم در حکم برترین نسخه زندگی و عالی‌ترین راهنمای بشر برای دستیابی به حیات طیبه، بخشی عظیم از آیات را به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص داده است (حسن‌زاده، ۱۳۹۲). افرادی که در این واحد کوچک اجتماعی رشد می‌یابند و تربیت می‌شوند به میزان رشد و شکوفایی‌شان در واحدهای اجتماعی بزرگ انسانی سهم دارند (پیکار و محمدی، ۱۳۹۶). پس از هفت‌سالگی مسئولیت تعلیم و تربیت کودکان بیشتر به‌عهده مدارس است (رضایی، ۱۳۹۰). معلمان و دانش‌آموزان عناصر کلیدی در یادگیری و روابط مبتنی به مدرسه‌اند، اما در این معادله گروه سومی هم وجود دارد که والدین هستند (مورگان، ۲۰۱۶). امروزه به‌دلیل توزیع سریع و همگانی اطلاعات، جهانی‌شدن، لزوم هماهنگی با تغییرات محیط و محدود بودن بودجه نظام تربیت رسمی و عمومی نقش خانواده در این زمینه ضروری است (صمدی و رضایی، ۱۳۹۰). نقش تربیتی خانواده به‌ویژه در دوره حساس رشد یعنی سن دبستان بیشتر نمایان است (افروز، ۱۳۸۹). از این‌رو ارزیابی کامل و معنادار از اوایل دوران کودکی نیاز به درک و فهم موقعیت و شرایط خانواده دارد (برگسون، دیویدسون، مولر و ویلیامز - اپلتون^۲، ۲۰۰۸). باتوجه به اهمیت این دوره، هم خانه و هم مدرسه در انجام وظایف تربیتی مکمل یکدیگرند (زرهانی و تاجیک‌اسمعیلی، ۱۳۸۹). یکی از دلایل اهمیت برقراری ارتباط بیشتر با والدین این است که آنها شناخت بهتری از فرزندان خود دارند و می‌توانند به اولیای مدرسه در پیدا کردن راهبردهای آموزش مناسب به فرزندان خود کمک کنند (پاورز^۳، ۲۰۱۶). اشتولتز^۴ (۲۰۱۱) عقیده دارد که به‌طور کلی، هم نیاز به آموزش والدین و هم تلاش برای برآورده کردن این نیاز افزایش یافته است. می‌دانیم که غالباً اولین موفقیت‌های فرزندان در مدرسه رخ می‌دهد (آلتشول^۵، ۲۰۱۲) و اینکه مدرسه نقشی اساسی در ارائه دانش مقدماتی کودکان دارد و فرصتی است برای اینکه آنان خود را مورد آزمون قرار دهند (باروز^۶ و همکاران، ۱۹۹۵)، اما مدرسه را نمی‌توان به‌تنهایی مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در موقعیت‌های مختلف دانست. ضروری است مدرسه و خانه برای حصول به هدف به‌طور مشترک فعالیت کنند (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۸). نیوچرچ^۷ (۲۰۱۷) معتقد است که هر چند یافته‌ها، اهمیت فرزند‌پروری، یادگیری در خانه و ارتباطات را توجیه می‌کنند، اما آنچه از همه تأثیرگذاری بیشتری

1. Morgan
2. Bergeson, Davidson, Mueller & Williams-Appleton
3. Powers
4. Stolz
5. Altschul
6. Burrows
7. Newchurch

بر موفقیت دانش‌آموزان دارد، مشارکت خانه و مدرسه است. کارلسون^۱ (۲۰۱۸) در زمینه اهمیت نقش مدرسه بیان می‌دارد با وجود اینکه والدین نقشی مؤثر در تقویت و رشد ذهن کودکان دارند، اما برای حمایت از کودکان خود نیاز به گفتگو و همکاری با معلمان نیز دارند. این همکاری‌ها می‌تواند از طریق کارگاه‌های آموزشی و بحث و گفتگو بهبود یابد. در این زمینه آلدريج^۲ (۲۰۱۵؛ به نقل از بیلی^۳، ۲۰۱۷) نیز اظهار می‌کند که در جامعه آموزشی امروز، وقتی که میان معلم و والدین، راهبردها و شیوه‌های مشارکتی در اجرا و رابطه کاری ایجاد می‌شود، این امکان برای دانش‌آموز فراهم می‌شود که با تمرین، مهارت‌های لازم را در کلاس و زندگی کسب کند. به نظر امپیلوکا^۴ (۲۰۱۴)، برای به حداقل رساندن مشکلات و به حداکثر رساندن نتایج، باید مدارس، خانواده‌ها و جامعه با قدرت به هم پیوندند و متحد شوند.

توجه به برنامه‌های آموزش خانواده، ایجاد نگرشی مثبت و پویا در والدین نسبت به خط‌مشی‌های آموزشی و تربیتی مدارس و فراهم ساختن انگیزه همیاری و همکاری متقابل با مربیان مدارس ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (افروز، ۱۳۹۳). اکثر پژوهش‌ها بر این واقعیت تأکید کرده‌اند که در امر تربیت فرزندان باید از آموزش‌های جامع، سازمان‌یافته و از پیش طراحی‌شده بهره‌مند شد (بختیاری و مصدقی‌نیک، ۱۳۹۵). روش تربیت کودک در دوره‌های نخستین زندگی، اساس رفتار او را در سال‌های بعد تشکیل می‌دهد. بنابراین آموزش خانواده در این دوره تحصیلی به‌عنوان بستری در راستای تعامل مؤثر و مفید اولیا با سیستم تعلیم و تربیت فرزندان می‌تواند با ارائه راهکارهای مناسب به یاری والدین بشتابد (شریعتمداری، ۱۳۸۴). نقش مشارکتی والدین در بهبود نتایج آموزشی بیش از ۴۰ سال است که مورد تأیید قرار گرفته است و هم‌اکنون بسیاری از کشورها نیز به این موضوع واقف‌اند (هورنبای^۵، ۲۰۱۱؛ ترجمه فراهتی، ۱۳۹۸).

از مسائل اساسی آموزش و پرورش بسیاری از کشورهای جهان عدم وجود رابطه و ارتباطات نزدیک و صمیمی میان مدرسه و خانواده است. سیستم آموزشی ما نیز اگر چه قدمهایی برای از میان برداشتن این مشکل در سال‌های اخیر برداشته، اما از این عیب بزرگ میرا نشده است (رضایی، ۱۳۹۰). از جمله اقداماتی که در این رابطه در نظام آموزشی ما صورت گرفته است، اجرای دستورالعمل جامع آموزش خانواده (مصوب ۱۳۷۷ شورای عالی انجمن اولیا و مربیان) به‌منظور افزایش آگاهی‌های تربیتی والدین و رفتار مناسب در خانواده و اجتماع است. دوره‌های آموزش خانواده در پنج عنوان معین شده است. برای هر کدام از عناوین کتابهایی همان‌ام با عناوین دوره‌ها به پیشنهاد سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان توسط استادان طرح جامع آموزش خانواده تدوین شده و در اختیار مدرسان آموزش خانواده در سطح مدارس

1. Carlson
2. Aldridge
3. Bailey
4. Mpiluka
5. Hornby

قرار گرفته است (نبوی، ۱۳۸۴). از این گذشته مدارس بر اساس دفتر راهنمای فعالیتهای انجمن اولیا و مربیان که دارای شش فصل است، جلسات آموزش خانواده را برگزار می‌کنند. در فصل آموزش و مشاوره سرفصلهای عمومی به‌طور مجزا برای هر مقطع مشخص شده، اما در بخش سرفصلهای اختصاصی عناوین تفکیک نشده است. انجام دادن بهینه وظایف همکاری و مشارکت خانواده در تربیت فرزندان مستلزم آموزش و ارتقای دانش و آگاهی والدین و هماهنگی خانه و مدرسه است. پژوهشهای انجام شده بسیاری بر ضرورت آموزش خانواده تأکید دارند. نتایج پژوهش اسدی (۱۳۸۰) نشان داده است که تأثیر آموزش خانواده بر تغییر رفتار والدین نسبت به فرزندان خود، در میان والدین آموزش‌دیده بیشتر از والدین آموزش‌ندیده است. نتایج پژوهش اقدسی، فرید و بایرام‌زاده (۱۳۹۰) نیز حاکی از آن است که نیروی انسانی، روش تدریس، ارزشیابی و محتوای آموزشی در میزان موفقیت برنامه آموزش خانواده دارای تأثیری معنادار است. پژوهش لین و الوی^۱ (۲۰۱۷) نیز نشان می‌دهد که خانواده با آموزشهای خوب، به‌مثابه یک واحد از نظام اجتماعی می‌تواند محرکی مناسب برای توسعه کشور، ملت و هماهنگی اجتماعی شود. کاکیا (۱۳۸۷) نیز در مطالعه خود، نتیجه گرفت که آموزش خانواده در ایجاد سازگاری در میان نوجوانان ناسازگار مؤثر است. همچنین، نتایج پژوهش مانا^۲ (۲۰۱۹) درباره ضرورت مشارکت معلم و والدین نشان می‌دهد، خانواده نخستین محیط آموزشی است که کودک در آن آموزش می‌بیند، اما موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان، به مشارکت و آموزش والدین در مدارس ارتباط دارد. همچنین آدامز، هریس و جونز^۳ (۲۰۱۶) فعالیت معلم و والدین را جدا از هم نمی‌دانند، چراکه در این‌صورت، همکاری و مشارکت دشوار خواهد بود. نتایج پژوهش روی و جیرالدو-گارسیا^۴ (۲۰۱۸) نیز نشان می‌دهد که والدین، مدرسه و جامعه هر سه باید برای پیشرفت و ایجاد مهارتهای علمی و اجتماعی-عاطفی در کودکان، تلاشی آگاهانه داشته باشند. پژوهش گارسیا و ریوس^۵ (۲۰۱۴) نیز نشان می‌دهد که مشارکت خانواده به بهبود یادگیری کمک می‌کند و موفقیت تحصیلی را افزایش می‌دهد. برخی پژوهشها نیز به کم‌توجهی به نیازهای متنوع والدین اشاره داشته‌اند. نتایج پژوهش اونجو و اونلر^۶ (۲۰۱۲) نیز بیانگر این است که برنامه‌های آموزش والدین باید باتوجه به نیازها و علایق والدین طراحی شوند. موضوعات این برنامه‌ها باید مورد بحث قرار گیرد و از روشهایی خلاق مانند مطالعات موردی، نقش‌آفرینی، بحث‌وگفتگو یا بارش مغزی استفاده شود. نتایج پژوهش مظاهری (۱۳۹۳) نشان داده است که میان نیازهای آموزشی والدین تفاوت معنادار وجود دارد. نیازهای اعلام شده به‌ترتیب رتبه و اولویت مسائل تربیتی و روانشناسی، مسائل مربوط به مشکلات رفتاری، مسائل تحصیلی و شغلی، مسائل مربوط به تربیت جنسی و ازدواج

1. Lin & Lv
2. Maunah
3. Adams, Harris & Jones
4. Roy & Giraldo-García
5. Rios
6. Oncu & Unluer

و مسائل مربوط به بهداشت جسمی و تغذیه فرزندان هستند. پژوهش نبوی و اسماعیلی (۱۳۹۵) نیز بیانگر آن است که محتوای آموزشی دوره‌های آموزش خانواده کاملاً منطبق با نیازهای آموزشی اولیای دانش‌آموزان نبوده است. نیازهای دیگر آموزشی والدین دانش‌آموزان دوره ابتدایی عبارت بودند از نحوه ارتباط والدین با کودکان، آشنایی با کتابهای مناسب کودکان، شناخت نیازهای جسمانی و روانی کودک و چگونگی تأمین آنها، چگونگی تأمین اصول تغذیه کودکان. باتوجه به اینکه محتوای آموزشی دوره‌های آموزش خانواده همه نیازهای آموزشی والدین را شامل نمی‌شود، لازم است که مدرسان آموزش خانواده علاوه بر آموزش سرفصلهای مصوب، طبق یک نظرخواهی در ابتدای دوره، نیازهای دیگر والدین را نیز شناسایی و بر اساس آن برنامه آموزش خود را تنظیم و ارائه کنند. نتایج پژوهش باقری، امیرحسینی و محمدی یوزباشکندی (۱۳۹۲) نیز حاکی از آن است که وزارت آموزش و پرورش و انجمن اولیا و مربیان باید با پربرتر کردن کلاسهای آموزش خانواده با بهره‌گیری از نیروهای متخصص و آموزش‌دیده، عملی کردن نظرات اولیا در مدارس، برخورد دوستانه و محترمانه با والدین و توجه به نیازهای مخاطبان، ارتباط خود را با والدین بیشتر کنند. نورالدینی (۱۳۹۰) اظهار می‌دارد که اهمیت نیازهای دانش‌آموزان دوره ابتدایی در همه ابعاد رشد، تأکید بر ضرورت آگاهی والدین از این نیازها، آشنایی با راهکارهای حل مسائل تربیتی و آموزشی مربوط به فرزندان، کاربردی نبودن محتوای آموزشی برای اولیای دانش‌آموزان و عدم استقبال و گرایش اولیا، ضرورت آموزش خانواده در دوره ابتدایی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. لیو^۱، سلیمانی و هنینگ^۲ (۲۰۲۰) نیز در پژوهش خود نقش مشارکت والدین در مدرسه را بسیار مهم می‌دانند، اما مشکلاتی وجود دارد که مانع همکاری والدین با مدرسه می‌شود. از جمله آنها عدم استقبال از برنامه‌های مدرسه، بی‌علاقگی به همکاری، محدودیتهای زمانی والدین شاغل و این احساس است که مشارکت آنها در تحصیل فرزندانشان مهم نیست. بنابراین و با توجه به آسیبهای موجود، برنامه آموزش خانواده، برای دستیابی به اهداف و نتایج موردنظر، نیاز به طراحی و برنامه‌ریزی اصولی دارد. یافته‌های فقهی (۱۳۸۶) حاکی از آن است که برنامه آموزش خانواده به شکل سنتی و با استفاده از شیوه سخنرانی بدون توجه به معیارهای لازم برای برنامه‌ریزی آموزش بزرگسالان، نمی‌تواند به اهداف آموزشی خود که تأثیر بر نگرش و ایجاد آمادگی برای عمل در مادران است، دست یابد. به‌نظر می‌رسد که برنامه آموزش خانواده در برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و ارزشیابی نیاز به بازنگری دارد. همچنین نتایج پژوهش نظری (۱۳۹۴) بیانگر این است که برنامه آموزش خانواده در برخی ابعاد مانند تربیت دینی و اخلاقی فرزندان، ناهنجاری، تربیت جنسی، افزایش آگاهی تربیتی و مراحل رشد فرزندان مؤثر بوده است، اما در آموزش عملکرد تحصیلی و تربیت عاطفی- اجتماعی و بهداشتی فرزندان چندان مؤثر عمل نکرده است. از این‌رو می‌توان با بهره‌گیری از اطلاعات به‌دست آمده، در زمینه طرح‌ریزی برنامه‌های آموزش والدین،

1. Liu
2. Henning

دانش‌آموزان و مداخلات پیشگیرانه اقدامات مفید را به‌عمل آورد.

با توجه به آسیب‌های موجود در برگزاری دوره‌های آموزش خانواده از جمله کم‌توجهی به خواسته‌های موردنیاز والدین، عدم نیازسنجی مناسب، کاربردی نبودن محتوا، عدم استقبال و گرایش اولیه، تکراری بودن محتوا و عدم استفاده از مدرسان مجرب، به‌منظور ارتقای کیفیت آموزشی و ایجاد رغبت و بالابردن انگیزه والدین دانش‌آموزان دوره ابتدایی و افزایش حضور آنان در جلسات آموزش خانواده که مخاطبان اصلی برنامه آموزش خانواده هستند، طراحی یک برنامه منسجم آموزش خانواده در دوره ابتدایی ضروری به‌نظر می‌رسد. بر اساس شواهد موجود، این پژوهش کوششی در پاسخ به این سؤال است که ضرورت‌های طراحی درسی آموزش خانواده در دوره ابتدایی چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، از روش تحلیل محتوای قراردادی^۱ استفاده شده است. تحلیل محتوای عرفی یا قراردادی معمولاً در مطالعاتی به‌کار می‌رود که هدف آن شرح یک پدیده است (تبریزی، ۱۳۹۳). در این نوع تحلیل، اطلاعات گردآوری شده از طریق مصاحبه و از طریق تداعی معنا تحلیل می‌شوند (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰). جامعه هدف این پژوهش، پنج گروه شامل مدرسان آموزش خانواده، مشاوران خانواده، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و متخصصان علوم تربیتی به‌ویژه برنامه‌ریزی درسی بود.

در اینجا مراحل انجام دادن پژوهش به تفصیل بیان می‌شود. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و نمونه‌گیری هدفمند انجام شده است. از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا افراد صاحب‌نظر دیگری را معرفی کنند که این اشاره به نمونه‌گیری گلوله برفی در پژوهش‌های کیفی دارد. اولین مشارکت‌کنندگان از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های معتبر و همچنین کارشناسان حوزه آموزش خانواده، به‌عنوان افراد صاحب‌نظر و باتجربه در زمینه موضوع پژوهش انتخاب شدند و دسترسی به سایر مشارکت‌کنندگان به روش گلوله برفی انجام شد. داده‌های پژوهش حاضر تقریباً در اطلاع‌رسان ۱۷ به اشباع رسید و داده‌ها در حال تکرار بودند، اما برای حصول اطمینان بیشتر، سه مصاحبه تکمیلی نیز برای تأیید عقیده پژوهشگر انجام گرفت و تا اطلاع‌رسان بیست ادامه یافت. از میان بیست مشارکت‌کننده، ۱۴ مرد و شش زن بودند. از این میان ۱۴ نفر دارای تحصیلات دکتری، یک نفر دانشجوی دکتری، چهار نفر کارشناسی ارشد و یک نفر کارشناسی در رشته‌های مذکور بودند. همچنین از میان مشارکت‌کنندگان، هفت نفر عضو هیأت علمی دانشگاه، شش نفر مدرس آموزش خانواده و مشاور خانواده و هفت نفر معلم بودند. بنابراین در این مطالعه در زمینه کشف و شناسایی نشانگرهای «ضرورت طراحی برنامه درسی آموزش خانواده در دوره ابتدایی» از

1. Conventional content analysis

هر پنج گروه خبرگان دانشگاهی، صاحب‌نظران و کارشناسان در حوزه آموزش خانواده، مشاوره خانواده، روانشناسی، جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی درسی استفاده شد. پیش از شروع مصاحبه درباره طرح پژوهش و اهداف و سؤالات آن به مصاحبه‌شوندگان به‌صورت حضوری و غیرحضوری (تلفنی، پیام متنی یا صوتی) توضیح داده شد، سپس نسبت به طرح سؤالات مصاحبه و انجام فرایند مصاحبه اقدام شد. هنگام گفت‌وگو با مشارکت‌کنندگان ضمن کسب اجازه از آنان، مصاحبه‌ها ضبط یا همزمان یادداشت‌برداری شدند و اگر ابهامی در پاسخها مشاهده می‌شد از مصاحبه‌شونده خواسته می‌شد که منظور خود را مجدداً به‌صورت روشن‌تر بیان کند. مدت زمان مصاحبه از ۲۰ دقیقه تا یک ساعت برای هر مشارکت‌کننده متغیر بود. پس از پیاده کردن اولین مصاحبه کدگذاری اولیه آن آغاز شد و با توجه به محتوای آشکار یا پنهان در هر واحد، مفاهیم گویایی بدان اطلاق شد. پس از یکی دوبار مرور و مطالعه سطر به سطر مصاحبه‌ها، به هر چیز که حاوی نکته‌ای مرتبط با موضوع پژوهش تلقی می‌شد، برچسبی از کلمه یا کلمه‌ها نسبت داده شد. با این کار داده‌ها به بخشهای معنادار کوچک‌تری تقسیم می‌شد و به هر جزء برچسبی از کلمات متن اختصاص می‌گرفت. پس از هر مصاحبه کدهای به‌دست آمده با برچسب شماره مصاحبه مشخص شدند تا امکان مقایسه آسان‌تر فراهم شود، سپس کدها با کدهای دیگر و با متن مصاحبه‌ها از نظر شباهت و تفاوت مقایسه شدند، مفاهیم تکراری حذف شدند، تا کدهای مشابه کنار هم قرار بگیرند و طبقات را تشکیل دهند. با تولید طبقات و کشف ویژگیها و ابعاد آنها پژوهشگر در جهت مقوله‌های فرعی پیش رفت و کدهای مشابه در کنار هم و زیر یک مفهوم انتزاعی که همه را در برمی‌گرفت، قرار گرفتند و طی آن مقوله اصلی مشخص شد.

قابلیت اعتماد^۱ پژوهش کیفی شامل چهار معیار اعتبار، قابلیت ثبات، تأییدپذیری و قابلیت انتقال است. برای کسب قابلیت اعتبار در این پژوهش تلاش شد تا از روش خودبازبینی پژوهشگر استفاده شود و نیز متن کامل کدگذاریها و طبقات اولیه به اساتید راهنما و مشاور ارسال شود. در این مورد از نظرات تأییدی و تکمیلی اساتید بهره برده شد. برای تأییدپذیری پژوهش نیز فرایند انجام کار در اختیار متخصصان و صاحب‌نظران مشارکت‌کننده قراردادده شد و صحت انجام پژوهش تأیید گردید. درنهایت نتایج حاصل از فرایند پژوهش شامل مفاهیم، مقوله‌های فرعی و مقوله‌های اصلی استخراج شدند. پس از انجام مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی آنها، پژوهشگر کار تحلیل محتوای مصاحبه‌ها را در دستور کار خود قرار داد. در تجزیه و تحلیل اطلاعات پژوهش حاضر از رویکرد استقرایی که از آن با عنوان تحلیل محتوای متعارف (عرفی یا قراردادی) نام برده می‌شود، استفاده شده است. به این ترتیب که با رجوع به داده‌های مورد مطالعه، به تدریج آنها را خلاصه کردیم تا در نهایت به اصلی‌ترین مفاهیم و مضامین مرتبط با موضوع تحقیق برسیم.

جدول شماره ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در مصاحبه را نشان می‌دهد.

1. Trustworthiness

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در مصاحبه

ردیف	جنس	تحصیلات	رشته
۱	مرد	دکتری	برنامه‌ریزی درسی
۲	مرد	دکتری	برنامه‌ریزی درسی
۳	زن	کارشناسی	مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی
۴	مرد	دکتری	روانشناسی
۵	مرد	کارشناسی ارشد	روانشناسی
۶	مرد	کارشناسی ارشد	روانشناسی
۷	زن	دانشجوی دکتری	برنامه‌ریزی درسی
۸	مرد	دکتری	برنامه‌ریزی و توسعه آموزش عالی
۹	مرد	دکتری	فلسفه هنر
۱۰	زن	دو مدرک کارشناسی ارشد	برنامه‌ریزی درسی و مدیریت آموزشی
۱۱	زن	دکتری	مدیریت آموزشی
۱۲	زن	فوق دکتری	مدیریت آموزشی
۱۳	مرد	دکتری	مدیریت آموزشی
۱۴	مرد	دکتری	برنامه‌ریزی درسی
۱۵	مرد	دکتری	روانشناسی
۱۶	مرد	دکتری	جامعه‌شناسی
۱۷	زن	دکتری	جامعه‌شناسی
۱۸	مرد	دکتری	برنامه‌ریزی درسی
۱۹	مرد	دکتری	برنامه‌ریزی درسی
۲۰	مرد	کارشناسی ارشد	روانشناسی

یافته‌ها

داده‌های گردآوری شده از فرایند اجرای مصاحبه‌های نیمه ساختارمند با افراد نمونه، تجزیه و تحلیل شدند. پس از تحلیل مصاحبه‌ها در مجموع ۱۳۶ مفهوم اولیه استخراج شد که در نهایت پس از تجزیه، تحلیل، ادغام و همپوشانی، کدها به ۶۰ مفهوم اولیه، ۱۱ مقوله فرعی و دو مقوله اصلی طبقه‌بندی شدند. جدول شماره ۲ مفاهیم اولیه، مقولات فرعی و مقولات اصلی استخراج شده از فرایند مصاحبه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۲. مقوله‌های استخراج شده از محتوای مصاحبه با متخصصان

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم اولیه
۱. ارتباط و پیوند مدرسه و خانواده بر اساس نیازها و درک متقابل	۱. آگاهی والدین از وظایف و نقش‌های خود	تأثیر خانواده بر نگرش و عملکرد کودک آگاهی هدفمند و عمقی خانواده‌ها تجهیز والدین به اصول تعلیم و تربیت اهمیت و نقش پدرها ایجاد تعهد و مسئولیت‌پذیری در والدین لزوم یادگیری مهارت پدر و مادر شدن
	۲. انسجام و وحدت رویه در آموزش خانواده	انسجام در آموزش خانواده الگویی منطبق با اصول و قواعد علمی پیشگیری از تناقضهای آموزشی و تربیتی داشتن وحدت رویه در آموزش خانواده انطباق با عرف و فرهنگ جامعه تلفیق الگوی خانواده- محوری و مدرسه- محوری لزوم شرکت خانواده در برنامه
	۳. ضرورت توجه به خانواده به عنوان کانون اصلی رشد و تعالی انسان	والدین اولین معلم کودکان خانواده اولین محیط آموزشی خانواده پایگاه اصلی رشد و تعالی فرد فرصتی برای به کارگیری آموخته‌ها خانواده یکی از عناصر اصلی ارکان تربیت فراتر بودن تعلیم و تربیت در خانواده نسبت به مدرسه سلامت جامعه در گرو سلامت خانواده
	۴. مشارکت والدین در برنامه‌درسی	همدلی والدین و انعکاس نظر و دیدگاه آنها در برنامه‌درسی تعامل مفید و مؤثر خانه و مدرسه همسان‌سازی با منابع انتقال ارزشها رفع تناقضات مدرسه و خانه مدیریت مشارکت‌جویانه تلاش و تمایل والدین برای مشارکت با مدرسه همبستگی و همفکری میان دو نهاد توجه همه‌جانبه به نیازهای خانواده

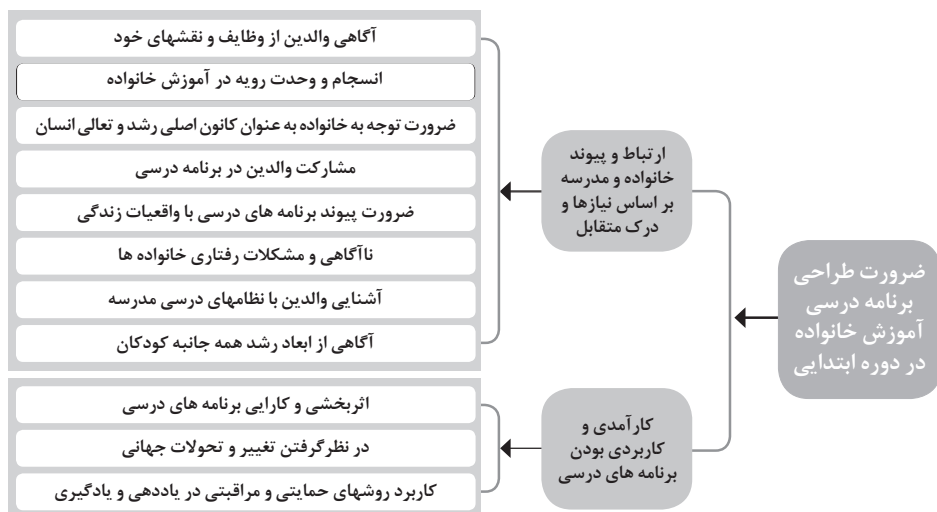
جدول ۲. (ادامه)

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم اولیه
	۵. ضرورت پیوند برنامه‌های درسی با واقعیات زندگی	آشنا نبودن مدرسان با محیط مدرسه وجود تنوع مسائل و آسیبها در آموزش متمرکز بودن نظام برنامه آموزشی سلیقه‌ای بودن آموزش خانواده تفاوت نوع نگرش تربیتی هر دو نهاد دوری از واقعیتهای زندگی شکاف میان دو نهاد
	۶. ناآگاهی و مشکلات رفتاری خانواده‌ها	کمرنگ بودن مشارکت والدین محرومیت اقتصادی خانواده وجود مشکلات تربیتی و آموزشی در خانواده آشنا نبودن اولیا با شیوه‌های تربیتی عدم شناخت والدین از اهداف و کارکرد مدرسه عدم هماهنگی خانه و مدرسه آزادیهای بی حد و حصر فرزندان
	۷. آشنایی والدین با نظامهای درسی مدرسه	در جریان نبودن اولیا از نحوه آموزش عدم انطباق نظام برنامه‌درسی با خواست والدین ارتقای سطحی آگاهی والدین عدم واگذاری برخی فعالیتهای به والدین
	۸. آگاهی از ابعاد رشد همه‌جانبه کودکان	توجه به رشد چندبعدی کودکان احساس ارزشمند بودن پاسخگوی نیازهای اجتماعی عاطفی و شناختی کودکان تقویت احساس امنیت و احترام متقابل توجه به ابعاد رشد و سلامت کودک ایجاد فرصتهای یادگیری برای کودکان آگاهی از شیوه‌های صحیح فرزندپروری
۲. کارآمدی و کاربردی بودن برنامه‌های درسی	۱. اثربخشی و کارایی برنامه‌های درسی	کاربردی‌تر شدن برنامه‌درسی پیشگیری از چالشهای تربیتی دانش‌آموزان توجه به اهداف کوتاه‌مدت و درازمدت پیشگیری از تربیت دوگانه دانش‌آموز پیشرفت مراکز یادگیری توجه به شایستگیهای پایه اجتماعی و جهانی
	۲. در نظر گرفتن تغییر و تحولات جهانی	تغییرات در تعلیم و تربیت تغییر رفتار نسل جدید عصر ارتباطات و رسانه تحولات سریع در علم و فناوری و فرهنگ
	۳. کاربرد روشهای حمایتی و مراقبتی در فعالیتهای یاددهی و یادگیری	حل مشکلات تحصیلی آموزش به شیوه اکتشافی تأثیر مشاهده و تقلید در یادگیری افزایش و تقویت پیشرفت تحصیلی

بر اساس جدول شماره ۲، در تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به سؤال پژوهش، ۶۰ مفهوم اولیه، ۱۱ مقوله فرعی و دو مقوله اصلی به‌دست آمده است. مقوله اصلی اول یعنی «ارتباط و پیوند مدرسه و خانواده بر اساس نیازها و درک متقابل» شامل هشت مقوله فرعی است که عبارت‌اند از:

۱. آگاهی والدین از وظایف و نقشهای خود
 ۲. انسجام و وحدت رویه در آموزش خانواده
 ۳. ضرورت توجه به خانواده به‌عنوان کانون اصلی رشد و تعالی انسان
 ۴. مشارکت والدین در برنامه درسی
 ۵. ضرورت پیوند برنامه‌های درسی با واقعیات زندگی
 ۶. ناآگاهی و مشکلات رفتاری خانواده‌ها
 ۷. آشنایی والدین با نظامهای درسی مدرسه
 ۸. آگاهی از ابعاد رشد همه‌جانبه کودکان
- و مقوله اصلی دوم یعنی «کارآمدی و کاربردی بودن برنامه‌های درسی» شامل سه مقوله فرعی است که عبارت‌اند از:

۱. اثربخشی و کارایی برنامه‌های درسی
 ۲. در نظر گرفتن تغییر و تحولات جهانی
 ۳. کاربرد روشهای حمایتی و مراقبتی در فعالیتهای یاددهی و یادگیری
- الگوی ضرورت طراحی الگوی برنامه درسی آموزش خانواده در دوره ابتدایی طبق دیدگاه کارشناسان در شکل شماره ۱ آورده شده است.



شکل ۱. الگوی ضرورت طراحی الگوی برنامه‌درسی آموزش خانواده در دوره ابتدایی

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج دیدگاه متخصصان مشارکت‌کننده در این پژوهش برای تبیین اهمیت و ضرورت برنامه‌درسی آموزش خانواده در مدارس دوره ابتدایی در دو مقوله اصلی «ارتباط و پیوند مدرسه و خانواده بر اساس نیازها و درک متقابل» و «کارآمدی و کاربردی بودن برنامه‌های درسی» و ۱۱ مقوله فرعی شامل: «۱. آگاهی والدین از وظایف و نقش‌های خود، ۲. انسجام و وحدت رویه در آموزش خانواده، ۳. ضرورت توجه به خانواده به‌عنوان کانون اصلی رشد و تعالی انسان، ۴. مشارکت والدین در برنامه‌درسی، ۵. ضرورت پیوند برنامه‌های درسی با واقعیات زندگی، ۶. ناآگاهی و مشکلات رفتاری خانواده‌ها، ۷. آشنایی والدین با نظام‌های درسی مدرسه، ۸. آگاهی از ابعاد رشد همه‌جانبه کودکان، ۹. اثربخشی و کارایی برنامه‌های درسی، ۱۰. در نظر گرفتن تغییر و تحولات جهانی و ۱۱. کاربرد روش‌های حمایتی و مراقبتی در فعالیتهای یاددهی و یادگیری» طبقه‌بندی شده است. آنچه از نتایج استخراج شده از مصاحبه با متخصصان بر می‌آید، امروزه والدین بر اساس تجربه شخصی خود نمی‌توانند در امر تربیت فرزندان خود عمل کنند. ضروری است که والدین پا به پای مدرسه در تربیت و آموزش کودکانشان سهیم باشند و این امر از طریق آموزش خانواده صورت می‌گیرد. هرچه والدین نیازهای کودکان خود را بیشتر بشناسند، بهتر می‌توانند از فرزندان خود پشتیبانی کنند و این حمایتها موجب می‌شود کودکانشان موفقیت‌های بیشتری را به‌دست آورند.

حال به مرور پژوهش‌هایی می‌پردازیم که در زمینه آموزش خانواده صورت گرفته است و یافته‌ها را با نتایج حاصل از مصاحبه با کارشناسان و متخصصان مورد مقایسه قرار می‌دهیم. ابتدا به زیرمقوله‌های مقوله اصلی یک یعنی «ارتباط و پیوند مدرسه و خانواده بر اساس نیازها و درک متقابل» می‌پردازیم که شامل هشت مقوله فرعی است: مقوله فرعی نخست «آگاهی والدین از وظایف و نقش‌های خود» با یافته‌های پژوهش نظری (۱۳۹۴)، اسدی (۱۳۸۰) و نورالدینی (۱۳۹۰) در تأثیر آموزش خانواده و ضرورت افزایش آگاهی و تغییر رفتار والدین نسبت به فرزندان همخوانی دارد. مقوله فرعی دوم «انسجام و وحدت رویه در آموزش خانواده» با نتایج پژوهش فقهی (۱۳۸۶) در لزوم طراحی و برنامه‌ریزی و روش آموزش بزرگسالان در آموزش خانواده مطابقت دارد. نتایج پژوهش اقدسی و همکاران (۱۳۹۰) نیز نیروی انسانی، روش تدریس، ارزشیابی و محتوای آموزشی را در موفقیت برنامه آموزش خانواده مؤثر می‌داند و همچنین با یافته‌های نظری (۱۳۹۴) در ضرورت طرح‌ریزی برنامه‌های آموزش والدین همسو و هماهنگ است. مقوله فرعی سوم «ضرورت توجه به خانواده به‌عنوان کانون اصلی رشد و تعالی انسان» با یافته‌های پژوهش پیکار و محمدی (۱۳۹۶) و دیدگاه افروز (۱۳۸۹) که به نقش تربیتی خانواده در سنین حساس رشد یعنی دبستان و تأثیر آن در رشد و شکوفایی در واحدهای اجتماعی بزرگ انسانی تأکید دارد، همخوان است. مقوله فرعی

چهارم «مشارکت والدین در برنامه‌درسی» با نتایج مطالعات باقری و همکاران (۱۳۹۲)، آدامز و همکاران (۲۰۱۶) و اونجو و اونلر (۲۰۱۲) که به ضرورت توجه به علایق و نیازهای اولیا و مشارکت میان معلم و والدین و همچنین پربراری و کارآمدی این همکاری تأکید دارد، مطابقت دارد. مقوله فرعی پنجم «ضرورت پیوند برنامه‌های درسی با واقعیات زندگی» با پژوهشهای نورالدینی (۱۳۹۰) و نظری (۱۳۹۴) همسوست. در این پژوهشها بر اهمیت نیازهای دانش‌آموزان دوره ابتدایی در همه ابعاد رشد و توجه به عملکرد تحصیلی، تربیت عاطفی - اجتماعی و بهداشتی در دوره‌های آموزش خانواده تأکید شده است. مقوله فرعی ششم «آگاهی و مشکلات رفتاری خانواده‌ها» با نتایج پژوهشهای لیو و همکاران (۲۰۲۰) و مظاهری (۱۳۹۳) در لزوم توجه به نیازها و مشکلات رفتاری خانواده‌ها و شناسایی موانع عدم همکاری والدین از جمله علت عدم استقبال از برنامه‌های مدرسه و بی‌علاقگی به مشارکت، همخوانی دارد. مقوله فرعی هفتم «آشنایی والدین با نظامهای درسی مدرسه» است. این مؤلفه در پژوهشهای روی و جیرالدو-گارسیا (۲۰۱۸) و مانا (۲۰۱۹) نیز مطرح شده است که میان مشارکت و آموزش والدین و موفقیت‌های دانش‌آموزان یک ارتباط معنادار وجود دارد و برای پیشرفت دانش‌آموزان در مهارت‌های علمی، اجتماعی و عاطفی باید خانواده و مدرسه و جامعه تلاش آگاهانه داشته باشند. مقوله فرعی هشتم «آگاهی از ابعاد رشد همه‌جانبه کودکان» با نتایج پژوهشهای مظاهری (۱۳۹۳) و نظری (۱۳۹۴) در اهمیت مسائل مربوط به تربیت و روانشناسی و افزایش آگاهی والدین از مراحل رشد فرزندان، همخوانی دارد.

مقوله اصلی دوم یعنی «کارآمدی و کاربردی بودن برنامه‌های درسی» شامل سه مقوله فرعی است: مقوله فرعی نخست «اثربخشی و کارایی برنامه‌های درسی» است که در نتایج پژوهش نورالدینی (۱۳۹۰) به آن اشاره شده است. او در پژوهش خود به لزوم آشنایی والدین با راهکارهای حل مسائل تربیتی و آموزشی اشاره دارد. مقوله فرعی دوم «در نظر گرفتن تغییر و تحولات جهانی» با دیدگاه صمدی و رضایی (۱۳۹۰) و لین و الوی (۲۰۱۷) مطابقت دارد. به عقیده آنان به دلیل توزیع سریع و همگانی اطلاعات و جهانی شدن، لزوم هماهنگی با تغییرات محیط و محدود بودن بودجه نظام تربیت رسمی و عمومی نقش خانواده در این زمینه ضروری است. همچنین آموزشهای خوب و روزآمد به توسعه کشور کمک می‌کند. مقوله فرعی سوم «کاربرد روشهای حمایتی و مراقبتی در فعالیتهای یاددهی و یادگیری» است که با نتایج پژوهش گارسیا و ریوس (۲۰۱۴) و مانا (۲۰۱۹) که به نقش مشارکت و آموزش والدین در کمک به بهبود یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان اشاره داشتند، همسوست.

با اذعان به اینکه خانواده مهم‌ترین واحد اجتماع و غنی‌ترین بستر برای رشد همه‌جانبه کودک است و فرد سالم در یک خانواده سالم رشد می‌کند و خانواده سالم در نهایت به سلامت اجتماع می‌انجامد و اینکه جهانی شدن در سالهای اخیر سلامت و استحکام خانواده‌ها را در سراسر جهان

به چالش کشیده است (به‌پژوه، ۱۳۹۳)، از این‌رو توجه به آموزش خانواده که موجب ارتباط و پیوند هرچه بهتر و بیشتر میان خانواده و مدرسه و بالا بردن آگاهی والدین در امر تربیت می‌شود و راهکارهایی که موجب ارتقای کیفیت این دوره‌ها می‌شود، بسیار حائز اهمیت است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که الگوی تدوین شده در پژوهش حاضر که با روش تحلیل محتوا و بر اساس نظر متخصصان حاصل شده است، می‌تواند به‌عنوان الگویی قابل اعتماد در جهت توجه به ضرورت‌های برنامه‌درسی آموزش خانواده در دوره ابتدایی به کار گرفته شده و از لحاظ کاربردی راهگشای پژوهش‌های آینده در این زمینه باشد.

■ پیشنهادهای کاربردی ■

۱. به‌منظور ارتقای کیفیت دوره‌های آموزش خانواده پیشنهاد می‌شود که مدیران و برنامه‌ریزان آموزش خانواده در برگزاری این دوره‌ها به نتایج و یافته‌های این پژوهش در تدوین و سازماندهی محتوای این دوره‌ها عنایت داشته باشند.
۲. باتوجه به ماهیت خاص و مهم آموزش خانواده برای والدین به‌ویژه در دوره ابتدایی، پیشنهاد می‌شود که مدیران مدارس و مسئولان آموزش خانواده نسبت به عملیاتی کردن آموزش خانواده بر اساس الگوی تدوین‌شده مبتنی بر نیازها اهتمام ورزند.
۳. پیشنهاد می‌شود از نتایج و یافته‌های این پژوهش برای مدیران و معلمان دوره ابتدایی نیز کلاسهای توجیهی در نظر گرفته شود.
۴. برای اثربخشی و کارآمدی دوره‌های آموزش خانواده به‌منظور عملیاتی کردن الگوی ارائه‌شده از مدرسان مجرب بهره گرفته شود.

- اسدی، شهرام. (۱۳۸۰). بررسی میزان تأثیر آموزش خانواده بر تغییر رفتار والدین نسبت به فرزندان خود در دوره راهنمایی متوسطه شهرستان شهرضا. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۱۷ (۴)، ۸۱-۱۰۲.
- افروز، غلامعلی. (۱۳۸۹). مباحثی در روان‌شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان. تهران: نشر انجمن اولیا و مربیان.
- _____ (۱۳۹۳). *چکیده‌ای از روان‌شناسی تربیتی کاربردی*. تهران: نشر انجمن اولیا و مربیان.
- اقدسی، علی‌نقی؛ فرید، ابوالفضل و پایرام‌زاده، حمیرا. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی آموزش خانواده در آموزش و پرورش شهرستان ماکو از دیدگاه اولیا دانش‌آموزان در سال ۱۳۹۰. *فصلنامه مطالعات زن و خانواده*، ۴ (۱۴)، ۴۳-۶۴.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. *مجله پژوهش*، ۳ (۲)، ۱۵-۴۴.
- باقری، سیفعلی؛ امیرمحمسنی، شاپور و محمدی یوزباشکندی، فاطمه. (۱۳۹۲). مطالعه عوامل مؤثر بر بهبود میزان مشارکت اولیا در فرایند تحصیلی فرزندان. *فصلنامه مطالعات منابع انسانی*، ۳ (۹)، ۱۷-۴۰.
- بختیاری، ابوالفضل و مصدقی‌نیک، کبری. (۱۳۹۵). *آموزش خانواده: راهبردهای علمی و عملی با رویکرد پژوهشی*. تهران: نشر انجمن اولیا و مربیان.
- به‌پژوه، احمد. (۱۳۹۳). جهانی شدن؛ چگونه یکپارچگی خانواده‌ها را تهدید می‌کند؟ *اولین کنگره ملی روانشناسی خانواده گامی در ترسیم الگوی مطلوب خانواده*، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- پیکار، زینب و محمدی، اصغر. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی خانواده از دیدگاه شهید مطهری و تالکوت پارسونز. *مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ۲۳ (۴)، ۹۹-۱۲۶.
- تبریزی، منصوره. (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۲۱ (۶۴)، ۱۰۵-۱۳۸.
- حسن‌زاده، صالح. (۱۳۹۲). عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی. *پژوهشنامه معارف قرآنی*، ۴ (۱۵)، ۴۵-۶۸.
- دستورالعمل جامع آموزش خانواده. (۱۳۷۷). مصوب شورای عالی انجمن اولیا و مربیان.
- رضایی، موسی. (۱۳۹۰). *انتظارات متقابل خانه و مدرسه*. تهران: نشر انجمن اولیا و مربیان.
- زرهانی، سیداحمد و تاجیک‌اسمعیلی، عزیزالله. (۱۳۸۹). *نگاهی به نقش‌های تربیتی خانه و مدرسه*. تهران: نشر انجمن اولیا و مربیان.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۸۴). *جامعه و تعلیم و تربیت: مبانی تربیت جدید*. تهران: امیرکبیر.
- صمدی، معصومه و رضایی، منیره. (۱۳۹۰). بررسی نقش تربیتی خانواده در نظام تربیت رسمی از دیدگاه علم و دین. *فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۱۹ (۱۲)، ۹۵-۱۱۷.
- فقهی، فاطمه. (۱۳۸۶). تأثیر برنامه آموزش خانواده در تغییر نگرش مادران نسبت به رفتار با فرزندان در مدارس راهنمایی دخترانه شهرستان بهبهان. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۱ (۲)، ۳۶-۴۹.
- کاکیا، لیدا. (۱۳۸۷). بررسی نقش آموزش خانواده در ایجاد سازگاری نوجوانان ناسازگار مقطع راهنمایی دخترانه شهرستان‌های استان تهران سال ۸۵-۸۴. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۲ (۳)، ۵-۳۰.
- مظاهری، حسن. (۱۳۹۳). بررسی نیازهای آموزشی والدین دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه در کلاسهای آموزش خانواده. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۱۱ (۳)، ۴۷-۶۰.
- نبوی، سیدصادق. (۱۳۸۴). نیازسنجی آموزشی اولیای دانش‌آموزان جهت آموزش خانواده در مدارس. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۲ (۳)، ۹۷-۱۱۵.
- نبوی، سیدصادق و اسماعیلی، علی. (۱۳۹۵). بررسی نیازهای آموزشی اولیای دانش‌آموزان دوره ابتدایی در زمینه مسائل تربیتی فرزندان جهت آموزش خانواده. *فصلنامه مطالعات پیش‌دبستان و دبستان*، ۱ (۴)، ۸۳-۱۰۸.
- نظری، علی‌محمد. (۱۳۹۴). تأثیر برنامه‌های آموزش خانواده بر فرزندپروری والدین: یک مطالعه فراتحلیل. *دو فصلنامه مشاوره کاربردی*، ۵ (۱)، ۸۱-۹۴.
- نوابی‌نژاد، شکوه. (۱۳۸۸). *سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان*. تهران: نشر انجمن اولیا و مربیان.

نورالدینی، مریم. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر وضعیت شرکت اولیا برای حضور در کلاسهای آموزش خانواده در شهرستان زرد کرمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

هورنای، گری. (۲۰۱۱). مشارکت والدین در آموزش و پرورش کودکان، ترجمه مهرزاد فراهتی (۱۳۹۸). تهران: نشر انجمن اولیا و مربیان.

- Adams, D., Harris, A., & Jones, M. S. (2016). Teacher-parent collaboration for an inclusive classroom: Success for every child. *Malaysian Online Journal of Educational Sciences*, 4(3), 58-72.
- Altschul, I. (2012). Linking socioeconomic status to the academic achievement of Mexican American youth through parent involvement in education. *Journal of the Society for Social Work and Research*, 3(1), 13-30.
- Bailey, T. M. (2017). *The impact of parental involvement on student success: School and family partnership from the perspective of students*. (Doctoral dissertation). Bagwell College of Education, Kennesaw State University.
- Bergeson, T., Davidson, C., Mueller, M. T., & Williams-Appleton, D. (2008). *A guide to assessment in early childhood: Infancy to age eight*. Washington State Office of Superintendent of Public Instruction.
- Burrows, E., Coulson, P., Fitzgerald, N., Huggan, L., MacCannell, S., McKinnon-Gray, E., & Sprague, C. (1995). *Family life Curriculum*. Department of Education and Early Childhood Development, Holman Centre, Prince Edward Island, Canada.
- Carlson, L. (2018). *Home/school collaboration and the development of a growth mindset within gifted students*. (Doctoral dissertation). Chicago: Loyola University.
- Garcia, L. B., & Ríos, O. (2014). Participation and family education in school: Successful educational actions. *Studies in the Education of Adults*, 46(2), 177-191.
- Lin, T., & Lv, H. (2017). The effects of family income on children's education: An empirical analysis of CHNS data. *Research on Modern Higher Education*, 4, 49-54.
- Liu, Y., Sulaimani, M. F., & Henning, J. E. (2020). The significance of parental involvement in the development in infancy. *Journal of Educational Research and Practice*, 10(1), 161-166.
- Maunah, B. (2019). The contribution of family and community education in realizing the goals of school education. *American Journal of Education and Learning*, 4(2), 292-301.
- Morgan, N. S. (2016). *Engaging families in schools: Practical strategies to improve parental involvement*. Taylor & Francis.
- Mpiluka, A. A. (2014). *Assessing parental involvement and its effect on pupils' academic performance in primary school in Matamba ward, Makete district*. (Unpublished master's thesis). The Open University of Tanzania.
- Newchurch, A. (2017). *The impact of parental involvement on student success: School and family partnership from the perspective of parents and teacher*. (Doctoral dissertation). Bagwell College of Education, Kennesaw State University.
- Oncu, E. C., & Unluer, E. (2012). Parents' attitude towards their children before and after parental education. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 46, 5933-5936.
- Powers, J. (2016). *Parent engagement in early learning: Strategies for working with families*. Redleaf Press.
- Roy, M., & Giraldo-García, R. (2018). The role of parental involvement and social/emotional skills in academic achievement: Global perspectives. *The School Community Journal*, 28(2), 29-46.
- Stolz, H. (2011). Parenting education. In S. F. Duncan, & H. W. Goddard (Eds.), *Family life education: Principles and practices for effective outreach* (pp. 191-210). SAGE Publications, Inc.